



پلیسی که شاعر است

علی اینانلو شاعر کتاب «زمان» معتقد است، شعر همانند باغی است که شاعر باغبانی آن را می کند و با اینکه آنها را هرس و آبیاری می کند، اما رشد و نمو اشعار از سوی ذات مقدس الهی انجام می شود.

علی اینانلو متولد سال ۱۳۶۲ دانش آموخته رشته کارشناسی مکانیک است. وی افسر پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ است و هم‌اکنون در معاونت آموزش و فرهنگ ترافیک انجام وظیفه می کند. اینانلو از سال ۱۳۷۹ فعالیت خود را در زمینه سرودن شعر و ترانه آغاز کرده و شعرهای متفاوتی را در زمینه‌های مختلف تا به امروز سروده است. این شاعر برگزیده جشنواره فاخته در سال ۱۳۹۸ و داور جشنواره‌های شعر فراجا از سال ۱۳۹۸ تا کنون بوده است.

اینانلو تا به امروز دو کتاب منتشر کرده که یکی مجموعه اشعار اوست و دیگری کتابی پژوهشی تاریخی در حوزه پلیس راهور تهران بزرگ است. کتاب شعری که از اینانلو تا کنون منتشر شده است «زمان» نام دارد. «زمان» مجموعه اشعاری است که با محوریت غزل، قصیده و... به چاپ رسیده است. همچنین کتاب پژوهشی-تاریخی وی با عنوان «یک قرن با پلیس راهور تهران بزرگ» منتشر شده است.

اینانلو در مورد آثاری که تا کنون از او منتشر شده است، می گوید: ما در کتاب «یک قرن با پلیس راهور تهران بزرگ»، بر اساس مستندات، نگاه کاملی به تاریخچه حمل و نقل، ورود خودرو به ایران، پیدایش پدیده‌های به نام ترافیک و چالش‌های ناشی از آن می‌اندازیم و خواهیم دید که با رشد روزافزون جمعیت از کمتر از صد هزار نفر به ۱۳ میلیون نفر به صورت شنانور، توسعه شهر تهران از ۳۰ هکتار به بیش از ۷۰۰ کیلومتر مربع، افزایش چشمگیر خودرو از یک خودرو به حدود ۹ میلیون وسیله نقلیه و پیش‌بینی‌های عجیب در خصوص عدم کنترل ترافیک و حمل و نقل از سوی مسئولین دهه‌های گذشته محقق نشده است.

وی می‌افزاید: به طور مثال در سال ۱۳۵۱ رئیس راهنمایی و رانندگی تهران اعلام می‌کند که «ترافیک تهران قاراشمیش است و در سال ۱۳۵۳ می‌گوید تهران ۵ سال دیگر متوقف می‌شود» اما این درحالی است که به‌رغم افزایش تعداد وسیله نقلیه و رشد جمعیت، شاهد ترافیک پر حجم ولی منظم‌تر و کاهش تصادفات منجر به فوت در شهر تهران هستیم.

این شاعر در ادامه در مورد کتاب شعر «زمان» می‌گوید: کتاب مجموعه شعر «زمان» در دو بخش غزلیات و شعر نو منتشر شده است و از تفکرات پیچیده‌ای در مورد نقش و اهمیت زمان در تمام خلقت هستی حرف می‌زند.

وی ادامه می‌دهد: بزودی کتاب سوم خود را با عنوان «ناکجا آباد» به دست ناشران می‌سپارم و سعی دارم تپیش از سال نوبی خورشیدی به دست علاقه‌مندان برسد. این کتاب شامل جملات آمیخته‌ای از تفکرات، روایات و ایدئولوژی من برای قبل از زندگی، حین زندگی و پس از آن است. جملات این کتاب سعی دارد تا با درون مایه‌ای فلسفی، تلنگری به انسان امروز که درگیر روزمرگی شده است بزند و شاید او را ساعتی در فکر فرو برد.

اینانلو که چند سالی است داور جشنواره‌های شعر را تجربه می‌کند در مورد چگونگی ورود خود به این زمینه می‌گوید: از آنجا که بخش عمده‌ای از زندگی شخصی‌ام صرف شعر می‌شود و هم‌زمان با آن افتخار خدمت در لباس مقدس فراجا را دارم با برگزار کنندگان جشنواره‌های شعر و دل نوشته فراجا که هر ساله برگزار می‌شود، آشنا شدم و داور آثار را پذیرفتم. وی ادامه می‌دهد: آخرین جشنواره‌ای که در این زمینه با داورى ما برگزار شد، جشنواره حضرت علی اکبر علیه‌السلام بود که در قالب آن آثاری از سربازان فراجی سراسر کشور از سوی دبیرخانه جشنواره دریافت شد و مورد ارزیابی قرار گرفت. اینانلو در معرفی بیشتر جشنواره سرباز می‌گوید: این جشنواره بخش‌ها و موضوعات گوناگونی دارد که همه آنها حول محور سرباز فعالیت می‌کنند که از جمله آنها می‌توان به «سرباز و حاج قاسم سلیمانی» اشاره کرد.

وی با بیان اینکه آثار قابل توجهی به دست دبیرخانه جشنواره رسیده است، می‌گوید: کمیت و کیفیت آثار نوید رویدادهای مهم و مؤثری را در آینده می‌دهد، چرا که اشعار و دل نوشته‌های دلنشین و جذابی را از بخش‌های گوناگون فراجا از جمله مرزبانی، انتظامی و... دریافت کردیم. این رویداد نشان می‌دهد که زحمات فرماندهی انتظامی کشور به‌رغم کار سخت و گاهی خستگی که دارند از روحیه‌ای لطیف و مهربان بهره می‌برند.

اینانلو در مورد شیوه داورى آثار می‌گوید: شعر همانند باغی است که شاعر باغبانی آن را می‌کند و با اینکه آنها را هرس و آبیاری می‌کند، اما رشد و نمو اشعار از سوی ذات مقدس الهی انجام می‌شود. شاعر به عنوان باغبان دست مخاطب خود را می‌گیرد و با دعوت از او در باغ خود میزبانی می‌کند. در این گشت و گذار در باغ شاعر یک مخاطب با گل‌ها لذت می‌برد، دیگری از میوه‌هایش استفاده می‌کند و یکی هم زیر سایه‌های آرام‌بخش درختانش استراحت می‌کند. ما نیز در داورى آثار شاعر را باغبانی می‌بینیم که هرچه بهتر و با احساس بیشتر به گل و گیاهان باغ خود رسیدگی کرده باشد دلنشین‌تر خواهد بود. در نتیجه علاوه بر ویژگی‌های اصولی و چهارچوب قالب‌های شعری که در مرحله اول مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، احساسات خرج شده شرکت‌کننده در جشنواره را نیز مورد توجه قرار می‌دهیم.

این شاعر در پایان با تأکید بر نقش و اهمیت شعر بر سلامت روانی جامعه می‌گوید: توصیه می‌کنم با توجه به زندگی روزمره‌ای که ما را از کالبد اصلی و نور الهی دور کرده و به اسارت زندگی ماشینی درآورده است، برای رهایی از بند اسارت آن به دامن شعر پناه بیاوریم تا حداقل لحظاتی را آرام بگیریم و به نور الهی درونمان نزدیک شویم. با شعر می‌توانیم بار دیگر دل به مهمانی‌های بی‌ریا دهیم و دور هم جمع شویم و مثل شعر حس لمس گندم‌زاری طلایی را تجربه کنیم.



عبد الحمید قدیریان

نگاهی به تعطیلی گالری‌ها

هراس و تردید تا بازگشایی مجدد گالری‌ها



هائیه شجاعی زند نویسنده

پس از ۶ ماه سردرگمی در دنیای هنر، آغاز ماه بهمن روزهای پرکاری برای گالری‌دارها محسوب می‌شود. از ابتدای پاییز در پی اغتشاشات اخیر، اکثر قریب به اتفاق گالری‌داران به جمع تحریم‌کنندگان هنر پیوستند و اکنون پس از ۶ ماه این مراکز فرهنگی روزهای شلوغی را پشت‌سر می‌گذارند. یک حساب سرانگشتی نشان می‌دهد در این ۶ ماه فرهنگسراهای وابسته به شهرداری‌ها و گالری‌های زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحت تأثیر این اغتشاشات نبوده‌اند و روال عادی خود را طی کرده‌اند و این تعطیلی‌ها اغلب بخش خصوصی را شامل شده؛ تعطیلی‌هایی که زیان مالی زیادی را به این مراکز فرهنگی تحمیل کرده است.

اکنون در این ماه‌های اخیر پس از پشت‌سر گذاشتن روزهای سردرگمی، شرایط کسب و کار به روال عادی خود بازگشته و بر اساس گزارشی که از فعالیت نمایشگاه‌ها به دست آمده است، نشان می‌دهد گالری‌های هنری در سرتاسر ایران اغلب در ماه‌های اخیر بازگشایی شده‌اند و پذیرای تعداد زیادی از هنرمندانی هستند که ماه‌ها در انتظار بوده‌اند تا بتوانند اثر خود رونمایی کنند. اگر از گذشته این چند ماه تعطیلی از گالری‌داران سؤال کنید، ترجیح می‌دهند یادآوری نکنند که چه طوفانی را از سر گذراندند و چه بود و چه شد؛ دورانی که شاید در یک جمله توصیف شود: «دوران سردرگمی و تحیر که چه کنیم؟»

دلیل تعطیلی چند ماهه گالری‌ها چه بود؟

بازگشایی گالری‌ها در حالی اتفاق می‌افتد که این نمایشگاه‌ها در پی حوادث اخیر درهایشان بسته شده بود؛ تعطیلی که خودشان آن را اینگونه توصیف می‌کنند. آرش صداقت‌کیش و ستاره صالح از هنرمندان عرصه هنرهای تجسمی، در مصاحبه‌ای از اوضاع خود در دوران تعطیلی گالری‌ها می‌گویند: چطور می‌توان ادامه دادن مسیری که انتهایی آن نابودی و تعطیلی است را در راستای شعار «زندگی» دانست؟

این دو هنرمند معتقدند: گالری‌ها و نهادهای فرهنگی کم‌وپیش مستقل، اگر بعد از سه ماه تعطیلی تصمیم به از سرگیری فعالیت داشته باشند، منجر به خشم و نفرت اهالی هنر می‌شوند. دوستان؛ وقتی بدون اعلام موضع گروهی یا صنفی و بدون اعلام تاریخ و مدت، کار خود را می‌نمایند، حتی اگر پس از گذشت ۶ ماه یا یک سال تصمیم به بازگشایی داشته باشند، بدیهی است که عقب‌نشینی و اعلام شکست تعبیر خواهد شد. چه اشکالی داشت اگر همگی اعلام می‌کردید در همدردی یا همراهی با فلان اتفاق، دو سه روز فعالیتت نخواهیم داشت یا هفته پیش را نمایشگاهی افتتاح نمی‌کنیم؟

مدیر گالری بن‌بست در مشهد نیز در مصاحبه‌ای اوضاع خود را در ایام تحریم اینگونه توصیف می‌کند: حدود پنج ماه است که همانند اکثر گالری‌های سراسر کشور تعطیل بودیم و فعالیتی نداشتیم. این مدیر فرهنگی در حالی از تعطیلی مرکز فرهنگی خود می‌نالذ که هیچ مانعی برای آغاز فعالیت‌های این گالری وجود نداشت، با این حال او ادامه فعالیت خود را مشروط به فعالیت گالری‌های دیگر می‌دانست و امیدوار بود هر چه زودتر بقیه گالری‌ها فعالیت خود را ادامه دهند تا او هم مانند سایر کسب و کارها به فعالیت خود ادامه دهد.

همبستگی صنفی، تنها راه حل!

او در حالی از همراه گالری خود را تعطیل کرده که تابستان پرکاری را پشت‌سر گذاشته و تا اواخر زمستان این گالری سفارشات زرو

شده داشته است اما مدیر گالری بن‌بست نمی‌توانست کاروکاسبی خود را به راه بندازد. دلیل این ترس از زیان لیلی گلستان، مدیر گالری گلستان خواندنی است. او در توصیف شرایط گالری‌ها در دوران اغتشاشات می‌گوید:

بعضی گالری‌ها با سروصدا بازکردند و تاوانش را پرداختند و بعضی بی‌سروصدا و در سکوت، آنها نتوانستند کاری بفرهوشند و مخاطب‌شان هم چند دوست و آشنا بود.

اغلب قریب به اتفاق هنرمندان هنرهای تجسمی و مدیران گالری‌ها با تعطیلی نمایشگاه‌ها مخالف بودند. آنها به زبان‌های مختلف همبستگی فکری خود را با اغتشاشات اخیر بیان کرده‌اند اما در کنار آن، این تعطیلی‌ها را هم بی‌معنا می‌دانستند. سعید مزینانی می‌گوید: فقط بحث بر سر باز بودن یا نبودن گالری‌ها نیست. معتقدم گالری‌ها و فضای تجسمی، بیشتر از آنکه از بیرون به آنها فشاری باشد، ترس «درون‌سازمانی» دارد و



محمدحسین نیرومند

موضوع «نور هدی، نور حسین(ع) است و بس» برگزار کرده از روزهای برپایی این نمایشگاه در اواخر دی‌ماه می‌گوید. وی استقبال مخاطبان از نمایشگاهش را مثال‌زدنی توصیف می‌کند به گونه‌ای که فرهنگسرای نیوانار برای چند هفته این نمایشگاه را تمدید کرد. قدیریان در این نمایشگاه سعی کرده است بر نقش نور الهی در جنگ ترکیبی با رژیم اشغالگر قدس تمرکز کند.

در میان آثار به نمایش درآمده در این روزها برخی از آثار برگزیده شده از حوادث اخیر است. هر هنرمندی بنا به اقتضات و برداشت‌های خود از شرایط پیش‌رو دست به خلق اثری زده است و اکنون پس از بازگشایی گالری‌ها با زبان هنر با مخاطب خود تبادل اندیشه می‌کند. مانند نمایشگاه پوستر «کار خودشونه» با نمایش آثار محمدحسین نیرومند که به موضوع نقد اعتراضات و اغتشاشات ۷۰۲ه می‌پردازد. هر چند محصول حوادث اخیر روی هنرمندان را باید در ماه‌های پیش‌رو دنبال کرد چراکه در



لیلی گلستان

این بازار بلا تکلیفی که آیا گالری‌ها بازگشایی می‌شوند یا خیر، اغلب هنرمندان هم‌دست از کار کشیده‌اند و باید دید در آینده چه برداشت و نگاهی از حوادث اخیر بر تابلوی هنر آنها نقش می‌بندد.

اما چرا باز یا بسته بودن این مراکز فرهنگی اهمیت دارد؟

باز یا بسته بودن این مراکز از آن جهت مهم است که بار اصلی هنرهای تجسمی در بخش نمایش آثار هنری، معرفی و عرضه آنها، به دوش گالری‌ها است و به این ترتیب گالری‌ها هستند که تأثیر اصلی را در شکل دادن ارزش‌های هنری و در نتیجه‌شان بخشی به آثار هنری داشته و نقش اصلی را در این راستا ایفا می‌کنند. در دنیای امروز در کنار خلق و تولید اثر هنری، محل ارائه و نمایش آثار هنری هم دارای جایگاه مهمی می‌باشد و گالری‌ها در دنیای امروز نقش بسزایی در شناساندن هنر روز، عرضه و فروش آثار هنری دارند و بدون شک یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی، هنرهای تجسمی هستند. در گالری‌ها آثاری همچون نقاشی، عکاسی، خوشنویسی، خط‌نگاری و مجسمه‌سازی، مدیا آرت، هنرهای تزئینی، لباس محلی و چاپ دستی به نمایش گذاشته می‌شود. امروزه گالری‌ها نه تنها محلی برای ارائه اشیای هنری است بلکه نقش مهمی در جریان‌سازی هنر نقاشی در ایران برعهده دارد. عملکرد هویت‌سازی‌ها، همواره نبض سلیقه عمومی جامعه هنری ایران را در دست داشته است.

با تمام این اوصاف گالری‌های ایران زنده مانده‌اند و در این ماه‌های اخیر پرکارتر و سرزنده‌تر به حیات خود ادامه می‌دهند. اگر این روزها پای صحبت‌های آنها بنشینید، می‌گویید: ما باز هستیم و نسبت به آنچه اغتشاش از اعتراض خوانده می‌شود، صحبتی نداریم؛ گویی این صنف حساس فرهنگی هنوز نتوانسته تحلیل درستی از آنچه رخ داده است برای خود ارائه دهد؛ اینکه چرا ۶ ماهه گالری‌ها و نمایشگاه‌های آنها بسته شد و چه کسی زیان آنها را جبران خواهد کرد.

اغلب قریب به اتفاق اینها معتقدند تنها یک همبستگی صنفی می‌تواند این مشکل را حل کند و گویی بهمن‌ماه برای بسیاری از این گالری‌داران بخش خصوصی، ماه گشایش و همبستگی صنفی بوده است که بار دیگر فعال شده‌اند؛ گشایشی که ترجیح می‌دهند نه از گذشته آن چیزی بگویند و نه از دلایل انتخاب ماه بهمن برای بازگشایی. در هر حال از ماه بهمن گالری‌های روزهای شلوغی را پشت‌سر می‌گذارند، هر چند بسیاری از گالری‌ها همچون گالری بخش خصوصی «آ» به دور از حواشی هیچ‌گاه تعطیل نشد و همواره فعال بود؛ فعالیتی که از نظر برخی هم‌صنفی‌هایش اینگونه توصیف می‌شود: گالری‌هایی که سرخورد باز شدند تاوان کار خود را پرداختند و البته برخی از نمایشگاه‌ها مانند گالری گلستان هنوز بسته است.

گزارشات رسیده نشان می‌دهد برعکس آنچه در سایت این مجموعه فرهنگی آمده است؛ «به دلیل همراهی با خیزش جوانان جسور و شجاع ایران، فعلاً نمایشگاهی برگزار نمی‌کنیم»، تعطیلی این گالری دلایل دیگری دارد. این نمایشگاه با توجه به بازار خوب دنیای دیجیتال به تماشای آنلاین روی آورده است. این گالری پیش از اینکه این حوادث اتفاق بیفتد به دلیل کمبود مخاطب تصمیم بر این تغییر رویه داشته است که درست با حوادث اخیر هم‌زمان می‌شود، هم‌زمانی‌ای که بهترین فرصت می‌شود تا این تعطیلی با عنوان همراهی با خیزش جوانان شجاع ایران پیوند بخورد.

گالری‌های ایران زنده می‌مانند

مروری بر سایت‌های گالری‌های فعال در تهران نشان می‌دهد از آنجایی‌که از مهرماه به جمع تحریم‌کنندگان پیوستند، ماه بهمن را برای بازگشایی خود انتخاب کرده‌اند، وقفه چند ماهه‌ای که هیچ‌یک از مدیران این مراکز فرهنگی پاسخی برای آن ندارند. گالری‌های غیرفعال چند ماه گذشته، بار دیگر فعالیت‌شان در تولدی جدید آغاز شده است و مخاطبان نیز استقبال خوبی از آثار دارند؛ استقبالی که استاد عبد الحمید قدیریان آن را بسیار خوب توصیف می‌کند. او که به تازگی نمایشگاه نقاشی با



بعضی گالری‌ها با سروصدا باز کردند و تاوانش را پرداختند و بعضی بی‌سروصدا و در سکوت، آنها نتوانستند کاری بفرهوشند و مخاطب‌شان هم چند دوست و آشنا بود



عبد الحمید قدیریان



مروری بر سایت‌های گالری‌های فعال در تهران نشان می‌دهد از آنجایی‌که از مهرماه به جمع تحریم‌کنندگان پیوستند، ماه بهمن را برای بازگشایی خود انتخاب کرده‌اند